

بررسی ماهیت معماری برجهای آرامگاهی شهرستان ایجرود^۱

حامد بیگدلی: دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، موسسه آموزش عالی و غیرانتفاعی روزبه، زنجان.

bigdeli.hamed@ roozbeh.ac.ir

زهره ترابی: استادیار، گروه معماری، موسسه آموزش عالی و غیرانتفاعی روزبه، زنجان.

zohrehtoraby@roozbeh.ac.ir

چکیده

برجهای آرامگاهی یکی از برجسته ترین آثار معماری دوره ی اسلامی ایران هستند. پراکندگی چنین آثاری تقریباً در بیشتر مناطق نیمه شمالی کشور دیده می شود. استان زنجان در شمالغرب ایران از جمله مناطقی است که یک چنین بناهایی با عنوان میل یا آرامگاه در برخی نقاط آن وجود دارد. طبق مطالعات انجام گرفته، برجهای آرامگاهی زنجان از نظر قدمت عموماً مربوط به دوران میانی اسلامی (ایلخانی) است و از نظر نقشه ی معماری بیشتر در گروه مدور با گنبدهای مخروطی شکل دیده می شود. به دلیل حفريات غير مجاز کف برخی از بناهای آرامگاهی و عدم توجه و رسیدگی در طول سالها و نیز تغییر مذهب مردمان منطقه در ادوار مختلف تاریخی، سوالی که امروزه مطرح می شود این است که کارکرد اصلی چنین بناهایی که به فراموشی سپرده شده و معمولاً با عنوان میل، برج، گنبد معروف شده اند، چه بوده است؟ حال آنکه مطالعات پهنه های فرهنگی منطقه ای و دقت در ساختار معماری آنها در مقایسه نقشه و سایر عناصر معماری با برجهای آرامگاهی شناخته شده دیگر و همچنین توجه به برخی نکات در متون تاریخی نشان می دهد که کارکرد اصلی و اولیه اینگونه بناها تدفینی بوده است. علاوه بر موارد یاد شده، قرار گیری چنین بناهایی در میان گورستانهای تاریخی در بسیاری از نقاط کشور از جمله مقابر برجی زنجان می تواند دلیلی دیگر بر عملکرد آرامگاهی اینگونه بناها باشد. در این پژوهش، توصیف دو بنای برجی استان زنجان که در دو منطقه ی جغرافیایی جداگانه قرار دارند، عناصر معماری آنها با دیگر بناهای مشابه در استان و خارج از آن با روش تحقیق کتابخانه ای و بررسی میدانی مورد مقایسه قرار گرفته و کارکرد اصلی بناها با عنوان برجهای آرامگاهی مشخص شده اند.

واژگان کلیدی: برجهای آرامگاهی، خوئین، کهریز سیاه منصور، آرامگاه استر و مردخای، دوره ایلخانی، آرامگاه قیدار نبی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ - شهرستان ایجرود یکی از شهرستانهای هشت گانه استان زنجان می باشد.

۱- مقدمه

همانطور که دکتر هیلن براند به درستی روشن کرده است، بی گمان آرامگاهها به استثنای مساجد بیشتر از هر نوع بنای معماری در ایران روزگار اسلام مورد توجه عام بوده است. آرامگاه در جزء جزء جامعه و فرهنگ ایرانی ریشه دوانده و کمتر شهری است که سهمی از چنین بناهایی نداشته باشد. هر کوی و شهری دارای یک یا چند مسجد است و یا وجود بر این در شمار ابنیه عمومی صاحب امامزاده ای مخصوص به خود است که مورد احترام اهالی می باشد (هیلن براند، ۱۳۶۶، ۲۳). با توجه به اینکه همبستگی آشکاری ما بین معماری اوایل دوران اسلامی با میراث معماری پیش از اسلام ایران وجود دارد، شایسته است تاکید شود هیچ نوع نشانه ای مهم از آثار آرامگاهی که آزادانه بر پا ایستاده باشد، در روزگار پیش از اسلام وجود ندارد. گور باشکوه کورش در پاسارگاد استثنایی است بر این قاعده... شاهان بعدی هخامنشی در اتاقهای تدفینی که در نمای صخره ای در دل کوه کنده شده قرار گرفته بودند و چنین گور دخمه هایی ظاهرا تا مدتی پس از بر افتادن آن سلسله رواج داشت. طبق آنچه از توضیحات کتب یونانی بر می آید رسوم خاکسپاری در ایران پارتی ظاهرا مسئله ساختمان آرامگاهی را در بر نداشته است. اما در مورد شاهان ساسانی در حالی که آنان یک دست هوادار آئین درست زرتشتی نبودند. مقررات سخت بخصوص آن آئین دایر بر دور انداختن اجساد که تصور می شد عفونت روحی مرگبار آنها زمین را آلوده می ساخته هر نوع تمایل به مرده پرستی و معماری آرامگاهی مربوط به آن را از بین می برد (هیلن براند، ۱۳۶۶، ۲۴). نه تنها عدم وجود مقابر آرامگاهی در دوران قبل از اسلام سد راه توسعه ساختمانهای آرامگاهی می شد، بلکه اسلام بنیادی دقیقا از هر نوع یادگاری رسمی برای مردگان روگردان بود. پیامبر اسلام خود سفارش کرده بود تا گورها همسطح زمین باشند و جسد مرده را بلافاصله به خاک سپرده و بدون تشریفات در یک کفن سفید ساده مدفون سازند. با این همه آن سادگی که از سوی پیامبر به مومنان توصیه می شد هم از طرف اعراب و هم از جانب ایرانیان با مقاومت روبرو شد. همان گونه که قابل پیشگویی بود در دو قرن اولیه اسلام قبرهای مقامات عالی مذهبی و ائمه و اصحاب پیامبر با نصب چوبی، که در فرهنگ های دیگر یک شاخص عمومی گور بود و آن را با سایبانی، چادری و یا چیزی مشابه آن می پوشانیدند از دیگر قبور متمایز شده و تنها گذشت زمان بود که این سایبانهای پارچه ای را به شکل بناهای با شکوه آرامگاهی در آورد (هیلن براند، ۱۳۶۶، ۲۴).

محققین و اندیشمندان گوناگون فرضیات دیگری در خصوص فلسفه وجودی برجهای آرامگاهی بیان داشته اند گروهی معتقدند از آنجا که اشاعه اسلام قسما مربوط به جهاد است و در دنیای ایران فعالترین مرز با جهان کفر بدون چون و چرا در شمال شرقی در طول مرزهای آسیای مرکزی قرار داشت و دقیقا در همین جاست که بیشترین آرامگاههای ایرانی یافت می شود. این بناها می توانند آرامگاههایی باشد برای تجلیل از شهدایی که در راه ایمان و عقیده جان خود را فدا کرده اند (هیلن براند، ۱۳۶۶، ۲۵).

فرض دیگر که بر نفوذ خارجی تکیه دارد چنین استدلال می کند که اشکال معماری ساختمانهای مسیحی همچون قبه الصخره، که خود برگرفته از برج مقبره های پالمیری اند، حق تقدم بر آثار اسلامی دارند و احتمال می رود که همان کسانی که مسجد می ساختند کلیسا نیز بنا میکردند. چرا که بین مقبره های برجی و برجهای فانوسی کلیساها شباهت قابل ملاحظه ای وجود دارد (ویلبر، ۱۳۶۵، ۹۸).

فرضیه ای دیگر تأثیرات اساسی آثاری را از جهان دشتهای هموار واقع در شمال و شرق آسیای مرکزی به میان می آورد. با این حساب مردم ترک نژاد بیابانگرد اندیشه آرامگاه را به سرزمین ایران آورده اند (کونل، ۱۳۵۵، ۷۳). نزدیکی جغرافیایی آنان به همان ناحیه ای که نخستین آرامگاههای اسلامی یافت می شود بعلاوه شباهتهای نزدیک چادرهای عشایری با برجهای آرامگاهی البته دلیل نیرومندی به سود این اندیشه است. سرانجام گروهی دیگر معتقدند شاید مقدم بر همه این برجها توده سنگها یا ستونهایی بود که قبایل قدیم آسیای مرکزی به یادبود پیروزیهایشان بر می افراشتند. ولی منشا نهایی آن در سنت نیرومند "جایگاه بلند" است. سنتی که در شرق کهن سابقه ای چندین هزار ساله دارد و در ایران از دیرباز مورد توجه بوده است. و نهایت اینکه کتیبه مقبره مومنه خاتون در نخجوان آذربایجان به سخن آمده فلسفه وجودی خود را اینگونه بیان می کند: " همه چیز در گذر است، باشد که این بماند" (پوپ، ۱۳۶۶، ۸۶).

۲- پیشینه تحقیق

تاکنون در رابطه با مقابر اسلامی مقالاتی هر چند محدود به چاپ رسیده است که مهمترین آنها متعلق به هیلن براند می باشد و بقیه اکثرا توصیفی و موردی بوده است. در رابطه با مقابر آذربایجان، "آندره گدار" تحقیقات خوبی در رابطه با مقابر مراغه داشته است. آقای "ویلبر" مقابر مربوط به ایلخانان را معرفی کرده و آقای "ویور" نیز در باره مجموعه شیخ صفی تحقیق کرده و "زاره" نیز اطلاعات خوبی از گذشته همین مجموعه ارائه میدهد. "ویلسن کلایس" شناسایی سطحی انجام داده است. آقایان "کارنگ"، "دباج"، "باباصفری" و "ترابی طباطبایی" عمده ترین ایرانیانی هستند که درباره آثار باستانی آذربایجان به طور کلی کار کرده اند (کارگر، ۱۳۷۲، ۵). ولیکن به طور اخص در این مقاله سعی بر بررسی برجهای آرامگاهی خوئین و کهریز سیاه منصور واقع در شهرستان ایجرود شده است.

۳- پیشینه تاریخی برجهای آرامگاهی

در مجموع آرامگاههای نخستین واقع در سرزمین ایران را به دو گروه اصلی می توان تقسیم کرد: نخست چهارضلعی گنبددار که به اعتقاد براند یک عنصر برای آن همان معیار آتشکده ساسانی یا چهار طاق است که چهار روزن محور یک طرح مربع شکل را شکافته و گنبدی بر فراز آن قرار گرفته است (هیلن براند، ۱۳۶۶، ۳۰). و دیگر برج مقبره، همان شکلی که در دوره سلجوقیان برتری دارد (کونل، ۱۳۵۵، ۷۳).

۴- مقابر دوره اسلامی ایران

الف) مقبره ها به دو دسته تقسیم می شوند: یک دسته آنهایی که شبستان مربع شکل دارند و دسته دیگر مقبره های برجی است. مقبره های برجی اشکال مدور و مربع و چند وجهی دارند و تفاوت آنها با شبستانهای گنبد دار ارتفاع خیلی زیادتری است که نسبت به ابعاد کلی بنا دارند و اینها را می توان به ساختمانهای گنبد دار و ساختمانهایی که گنبد چند وجهی خیمه وار و یا سقف مخروطی دارند، تقسیم کرد (ویلبر، ۱۳۶۵، ۳۸).

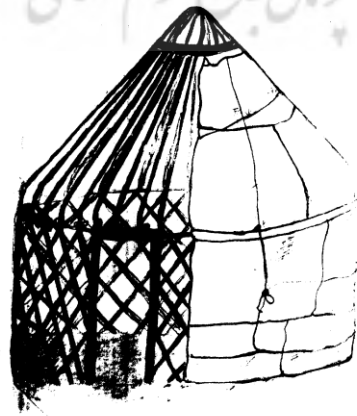
مقبره های دوره ایلخانی به پیروی از رسم قدیم جدا ساخته شده و از همه سمت نمایان بوده است. شواهد ابنیه ی باقیمانده نشان می دهد که قبور سلاطین در نقاط مخصوصی قرار داده می شد و قبر افراد بسیار مهم گاهی در ناحیه ای معمور در نزدیکی مسجد یا زیارتگاه انتخاب می شد ولی محل معمول برای ساختن مقبره برجی یا زیارتگاه یکی از قبرستانهای محلی بود. این قبرستانها به فاصله ای در خارج دروازه های شهر قرار داشت. در قبرستانهای بسیار وسیع که چندین

قرن مورد استفاده بوده اند ، مانند قبرستان آن سوی مقابل زاینده رود در اصفهان ، تعداد قابل ملاحظه ای ساختمان در ناحیه ای که دارای هزارها سنگ قبر صاف است ، پراکنده است. در قم مقبره های دوره ایلخانی در دو ناحیه ی عمومی یافت می شود: یکی در قبرستان مشرق و دیگری در قبرستان مغرب شهر. تعدادی از قبرهای ایلخانان از خود قبرستانها بیشتر عمر کرده و بعد از انهدام آنها باقی مانده اند و اکنون در وسط باغها یا زمینی که از سنگهای قبر پاک شده، قرار دارند. در بعضی موارد یک سنگ قبر ساده یا یک بنای قبر بی اهمیت چنان مورد احترام مردم واقع شده که در همان نقطه ساختمان مهمی بنا گردیده است. در مورد پیر بکران، نزدیک اصفهان وایوان زیر منار جنبان اصفهان این مطلب صدق می کند. برعکس، در بعضی موارد بعد از ساختمان آرامگاهی در یک ناحیه معمور، حرمت زیارتگاه باعث شده است که مردم اموات خود را در اطراف آن دفن کنند و به تدریج قبرستان جای ناحیه معمور را گرفته است. در مورد مقبره بایزید بسطامی ظاهرا این عمل انجام گرفته است. شکل بنای آرامگاهها برای مستقل ماندن آنها مناسب بود، زیرا ساختمانهای مدور یا مربع یا چند طرفه فاقد جهت خاص بود و یک طرف آن از طرف دیگر مهمتر شمرده نمی شد. محل مقبره ها در قبرستانها نیز عامل دیگر بقای آنها محسوب می شود، زیرا محل و مختصات بنا ممکن است برای آنها جلب احترام کرده و آنها در برابر دستیازی مردم محل برای بردن مصالح ساختمانی، که یکی از عوامل خرابی ابنیه قدیمی در همه ادوار بوده است، حفظ کند(ویلمبر، ۱۳۶۵، ۴۱).

با توجه به آنچه گذشت چنین می توان استدلال کرد که: منشا اصلی این بناها را چادرهای بومی(تصویر شماره ۱) و کاربرد اولیه آنها را گورهای سلطنتی تشکیل می داده(pop.1930,926).

جدول شماره ۱: نقشه برج های آرامگاهی - منبع: شبیانی، ۱۳۶۹، ۱۴۳ و ۱۴۲ - بازترسیم: نگارندگان

نام بنا	محل بنا	تاریخ بنا
کند فابوس	کند فابوس	۳۹۷ هـ.ق
برج رادکان	رادکان	۶۰۷ هـ.ق
برج لاجیم	سواد کوه	۴۴۳ هـ.ق
بقعه پیر علمدار	دامغان	۴۱۷ هـ.ق
بقعه چهل دختران	دامغان	۴۶۶ هـ.ق
برج رسکت	ساری	۴۱۳ هـ.ق
برج طفرل	شهر ری	قرن نهم
برج مهماندوست	دامغان	۴۹۰ هـ.ق
برج علاءدوله	ورامین	۶۰۸ هـ.ق
برج علی آباد	کاشمر	قرن هشتم هـ.ق
برج کاسانه	بسطام	قرن هشتم هـ.ق
برج امامزاده انظر	در جزین	قرن هشتم هـ.ق

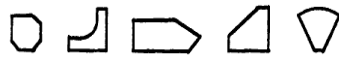


تصویر شماره ۱: نمایی از یک خیمه (یورت مغولی) - منبع: عرب، ۱۳۷۳، ۶۶

ب) عناصر و مصالح ساختمانی به کار رفته در مقابر: ب-۱) گنبدها: گنبد‌های موجود را می‌توان به سه طبقه تقسیم بندی نمود: ۱) گنبد منفرد (۲) گنبد دو جداره واقعی، ۳) گنبد داخلی که زیر سقف مخروطی شکل یا گنبد چادری چند سطحه پنهان است. هر سه نوع بالا قبل از دوره ی ایلخانان در ایران مرسوم بوده است. نوع اول زاویه ی مستقیم گنبد‌های دوره ساسانی است و نمونه های بسیاری از آن در ابنیه دوره ی سلجوقی پیدا می‌شود. واضحترین نمونه اصلی نوع دوم، مقبره سلطان سنجر در مرو است (مورخ ۱۱۵۷ م) و معروفترین نمونه نوع سوم گنبد قابوس (مورخ ۱۰۰۷ م) می‌باشد (ویلبر، ۱۳۶۵، ۶۷). در گنبد‌های دوره ی ایلخانی کوشش برای ازدیاد عظمت و ابهت و یافتن راه حل تازه برای مسائل ساختمانی آشکار است. در دوره ی ایلخانان سیستم گنبد دو بر آجری به ناگهان تکمیل گردید، با وجود آنکه فقط یک نمونه موجود از این نوع گنبدسازی از دوره قدیمتر، یعنی یکصد و پنجاه سال قبل، از نمونه های مغول وجود دارد. گنبد دو بر آجری چگونه در معماری ایران مرسوم گردید؟ چند احتمال را می‌توان در نظر گرفت: ۱) از گنبد‌های دو بر چوبی عیناً تقلید شده، ۲) گنبد‌های چوبی حفاظتی که روی گنبد‌های معمولی ایران ساخته می‌شد، از آجر ساخته شده است، ۳) گنبد دوبر از طاق فانوسی، که روی نقاط تقاطع در کلیساهای ارمنی ساخته می‌شد، الهام گرفته شد، ۴) آنکه سقف‌های مخروطی یا چند ضلعی روی گنبد‌های داخلی مقابر تبدیل به گنبد آجری معمولی گردید، و ۵) از قبه روی معابد آسیای مرکزی و گنبد‌های دوبر آنها تقلید گردیده و از آجر ساخته شده است (ویلبر، ۱۳۶۵، ۶۹).

طرح گنبد بیضی شکل نوک تیز دوره ی ایلخانان خیلی شبیه مقطع قوس نوک تیز راهروها و قوس‌های دیوارهای ابنیه است. این شباهت طرح ممکن است کوشش عمدی بوده است. و نیز نمونه ی گنبد نوک تیز بیضی شکل دوره ی ایلخانی روی استوانه بلند منجر به نمو گنبد پیاپی شکل گردید (ویلبر، ۱۳۶۵، ۷۱).

ب-۲) آجر قالبی مخصوص، رنگ و جنس آن: در چند ساختمان این دوره آجرهایی به کار رفته که به اشکال معینی برای قسمت های مختلف و مخصوص بنا، از قبیل ستونچه های زاویه و لبه نغولهای فرو رفته، قالب گیری شده اند. اینکه تقریباً هر ساختمانی که در آن اینگونه آجر به کار رفته دارای آجرهای قالب گیری شده به اشکال مخصوص به خود می‌باشد، می‌رساند که اولاً این آجرها در خود محل یا در نزدیکی بنا ساخته می‌شده و ثانیاً جزئیات ساختمان قبلاً با کمال دقت پیش بینی و طراحی شده بوده است. اشکال عمده ای نوع آجر قالب گیری شده مخصوص از این قرار است (ویلبر، ۱۳۶۵، ۵۲):



آجرهای پخته رنگهای مختلف از زرد کم‌رنگ و زرد گل اخراپی و زرد متمایل به قرمز و قرمز تیره تا رنگ خاک دارند. ممکن است خاک محل رنگ به آجر می‌داده است نه ماده اضافی رنگی. رنگهای آجرها خیلی تند نیست و در آثار ساختمانی آذربایجان یک نوع آجر قرمز رنگ به کار رفته که در سایر نقاط ایران کمتر دیده می‌شود. به طور کلی آجر را خوب می‌پختند، به طوری که آجرها امروز هم شکننده نیستند و در بسیاری از ساختمانها مانند روز اول محکم مانده اند. میزان حرارت کوره همیشه یکسان نبوده، بطوریکه خیلی از آجرها کمی تاب دارند و در طول آجرهای یک دیوار بین یک تا دو سانتیمتر اختلاف وجود دارد (ویلبر، ۱۳۶۵، ۵۲).

ب-۳) خشت: به سه طریق به کار می‌رفت: یا کلیه بنا از خشت ساخته می‌شد، یا دیوار پایین از خشت و گنبد از آجر، و یا اینکه هسته مرکزی دیوار از خشت و سطح نمایان آن از آجر ساخته می‌شد. در قرن چهاردهم طریق سوم بیشتر از هر دوره دیگر رواج داشت. باید متذکر شد، ساختمانهایی که خشت در آنها به کار می‌رفت، از لحاظ تعداد، به مراتب بیشتر از ساختمانهای تمام آجری بود. به خصوص در دهات و قصبات کوچک به ندرت نمونه ای از ساختمانهای خشتی باقی مانده، زیرا در مقابل باد، باران و برف برای مقاومت نداشته و صدمه دیده و از بین رفته اند (ویلبر، ۱۳۶۵، ۵۲).

ب-۴) قلوه سنگ و پاره آجر: اگر چه تمام دوره اسلامی در ایران ساختمان با آجر بیشتر رواج داشته است، با اینحال در هر دوره یک یا دو ساختمان از قلوه سنگ یا پاره آجر دیده می‌شود. از دوره ایلخانی فقط یک ساختمان از این قسم باقی مانده و آن مقبره پیر بکران در اصفهان است. ایوان بلند این مقبره در اصل از قلوه سنگ بدون رده ساخته شده و سنگها در گچ خاکستری نیمه سخت قرار داده شده، بعداً یا به علت عدم تجربه در استعمال اینگونه مصالح و یا به علت محدودیت خود مصالح، طاق ایوان پس از مدتی از ساختمان فرو ریخت و مجدد با آجر ساخته شد (ویلبر، ۱۳۶۵، ۵۶).

۵- مطالعه موردی برجهای آرامگاهی خوئین و کهریز سیاه منصور شهرستان ایجرود

شهرستان ایجرود یکی از شهرستانهای هشت گانه استان زنجان است که در جنوب غربی استان واقع شده و مرکز آن شهر زرین آباد است. این شهرستان از شمال با شهرستان زنجان و ماهنشان، از شرق با شهرستان ابهر، از جنوب با شهرستان خدابنده و از غرب با استان کردستان همجوار است. شهرستان ایجرود در ۴۷ درجه و ۴۹ دقیقه تا ۴۸ درجه و ۳۵ دقیقه طول شرقی نصف النهار گرینویچ و ۳۶ درجه و ۰۵ دقیقه تا ۳۶ درجه و ۳۴ دقیقه طول شمالی خط استوا قرار گرفته است. شرایط اقلیمی منطقه بر حسب ارتفاع بسیار متغیر است ارتفاعات دارای آب و هوای سرد و کوهستانی و در قسمت جلگه ها و در تابستان دارای آب و هوای معتدل و خشک می‌باشد اقلیم این منطقه را می‌توان مدیترانه ای دانست که بر این مناطق احاطه دارد و بطور کلی آب و هوای این شهرستان خشک می‌باشد. در ادامه به تفصیل در مورد هر یک از بناهای فوق الذکر توضیح داده خواهد شد.

۵-۱ موقعیت، تاریخچه و وجه تسمیه برج آرامگاهی کهریز سیاه منصور:

روستای کهریز سیاه منصور از توابع شهرستان ایجرود، بخش حلب است که در حوزه رودخانه قزل اوزن و در داخل دره ای سرسبز قرار دارد. به دلیل وجود دو رشته قنات بسیار قدیمی که در واقع حیات اقتصادی روستا نیز به آنها وابسته است، به کهریز سیاه منصور معروف شده است. یکی از آثار بسیار مهم این روستا بنایی استوانه ای شکل گنبد دار است که در حاشیه باغات روستا و در کنار قناتهای معروف آن واقع است.

تاریخ ساخت بنا دقیقاً مشخص نمی‌باشد. و کتیبه یا مدرکی که نشان دهنده تاریخ ساخت بنا باشد، به چشم نمی‌خورد. در ضلع شمالی؛ بالای ورودی محل خالی کتیبه ای وجود دارد که به گفته اهالی منطقه در گذشته کتیبه ای سنگی بر آن وجود داشته که تاریخ احداث گنبد در آن ذکر شده بود. متأسفانه این کتیبه به سرت رفته اما به گفته مردم محلی تاریخ ساخت بنا بر اساس کتیبه مذکور مربوط به دوره صفویه است. دلیل نامگذاری بنا به گنبد نیز به جهت نوع پوشش گنبدی بنا می‌باشد.

بنای معروف به گنبد در حاشیه جنوب شرق روستای کهریز سیاه منصور به مختصات طول جغرافیایی ۳۶۲۳۰۹۲ و عرض جغرافیایی ۴۷۵۷۶۲۳ و در میان مزارع کشاورزی قرار گرفته است. بنا در شیب دره و مشرف به مظهر قناتهای دوگانه، با فاصله کمی از آنها واقع است. پلان بنا به شکل دایره به قطر ۴/۴۳ و به ارتفاع ۷/۲۵ متر است (تصویر شماره ۴ و ۵). بنای گنبد به شکل یک استوانه بزرگ ساخته شده و پوشش آن از نوع گنبدی است. مصالح بکار رفته در ساخت بنا لاشه سنگ، آجر و ملات گچی است. سازندگان بنا ساختار استوانه ای بنا را با لاشه سنگهای تقریباً منظم اجرا کرده (تصویر شماره ۲ و ۱) و در ساخت گنبد از آجر استفاده کرده اند. البته با توجه به شواهد موجود، احتمالاً گنبد آجری در دوره دیگری به بنا اضافه شده است. هر چند همین گنبد نیز تا انتها نرسیده و تکمیل نشده است. ورودی بنا از طریق یک درگاه کوچک با طاق قوس جناغی است که در ضلع شمالی قرار دارد. داخل بنا کاملاً مدور است و دیوارها دارای پوشش گچی است (تصویر شماره ۳). یکی از ویژگی های مهم بنا، نقشه آن است که به صورت استوانه ای اجرا شده است. با توجه به شواهد موجود این بنا یکی از اولین نمونه ها با چنین پلان است که قابل مقایسه با میل خوئین، و بنای آرامگاه قیدار نبی است.



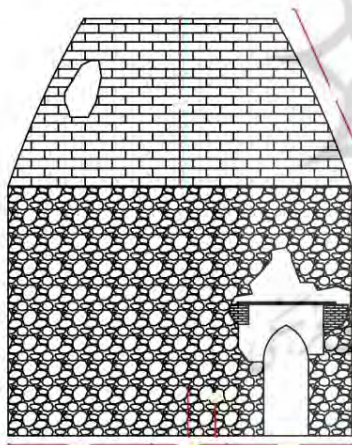
تصویر شماره ۳: منبع: نگارندگان



تصویر شماره ۲: منبع: نگارندگان

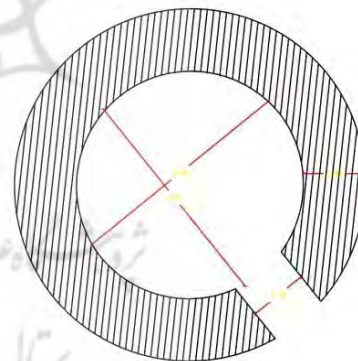


تصویر شماره ۱: منبع: نگارندگان



تصویر شماره ۵: نمای جنوبی برج آرامگاهی کهریز سیاه منصور

A



A

تصویر شماره ۴: پلان برج آرامگاهی کهریز سیاه منصور

منبع: پرونده ثبتی بنای گنبد، آرشیو و مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان زنجان

۲-۵ موقعیت، تاریخچه و وجه تسمیه برج آرامگاهی خوئین

در ۶۰ کیلومتر جاده زنجان- بیجار در سمت راست جاده پس از طی جاده فرعی در حدود ۳ کیلومتر به روستای تاریخی خوئین می رسیم، روستای خوئین یکی از مناطق تاریخی و خوش آب و هوا در این شهرستان است که از نظر دارا بودن آثار تاریخی شگفت انگیز دارای اهمیت فراوان است. این روستای سرسبز بر کنار چشمه آبی که از ارتفاعات ضلع شمالی جاری می باشد واقع گردیده است.

این بنا بر بلندی های ضلع جنوبی روستا و با موقعیتی کاملاً مسلط بر روستا و اراضی همجوار واقع گردیده است (تصویر شماره ۶). اطراف بنا را قبرستان قدیمی و متروکه فرا گرفته است. با توجه به اینکه مدارک مکتوب از جمله کتیبه، سنگ نوشته و غیره که دال به زمان ساخت و یا نام بانی آن باشد فعلاً بدست نیامده لذا با توجه به نوع و سبک ساخت بنا و همچنین با عنایت به اینکه گنبد این بنا از نوع زنگوله ای و قابل مقایسه با مقبره قیدار نبی می باشد می توان زمان ساخت آنرا بین قرون پنجم تا هفتم هجری به حساب آورد (تصویر شماره ۹ و ۱۰).

مشخصات بنا، عوامل تزئین شده و نوع آنها:

۱- گنبد که با آجر کار شده و در سالهای گذشته نیز مرمتهایی بر آن انجام شده است (تصویر شماره ۷).

۲- بدنه اصلی بنا که شامل درب ورودی (تصویر شماره ۸) و پنجره هائی در ضلع های شمالی و جنوبی جهت دیدبانی می باشد. پنجره (منفذ) ضلع جنوبی در سالهای اخیر مسدود گردیده است.

احتمال قریب به یقین قسمتهای بیرونی و یا داخلی اندام بنا مزین به کتیبه و یا نقوش بوده که متأسفانه با توجه به انجام تعمیرات غیر اصولی در سالهای اخیر (حدوداً ۱۳۵۰ ه. ش) تزئینات از بین رفته یا در زیر لایه های سیمانکاری شده قرار گرفته اند، بطور کلی گنبد این بنا دو پوشش و از نوع زنگوله ای می باشد که با آجر کار شده ، بدنه اصلی با لاشه سنگ و گچ آهک (تصویر شماره ۸) برپا گردیده است که در حال حاضر یک ورودی در ضلع شمالی دارد که جهت ورود به آن می بایست سه پله را طی نمود همچنین در اضلاع شمالی و جنوبی دارای دو پنجره جهت دیده بانی می باشد.



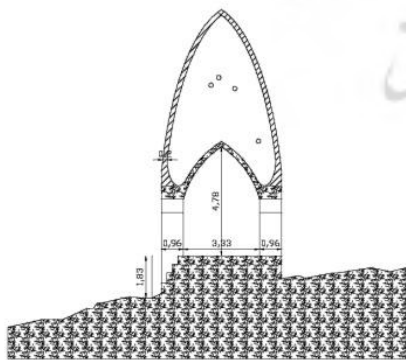
تصویر شماره ۶: موقعیت بنا، منبع: نگارندگان



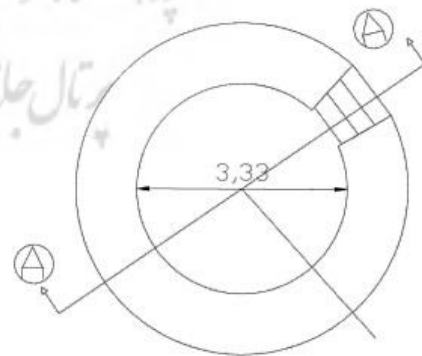
تصویر شماره ۸: در ورودی بنا، منبع: نگارندگان



تصویر شماره ۷: میل خوئین، منبع: نگارندگان



تصویر شماره ۱۰: برش برج آرامگاهی خوئین



تصویر شماره ۹: پلان برج آرامگاهی خوئین

منبع: پرونده ثبتی میل خوئین، آرشیو و مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان زنجان

۶- مقایسه برجهای آرامگاهی شهرستان ایجرود با بناهای مشابه: با توجه به بررسی های صورت گرفته از میل خوئین و گنبد کهریز سیاه منصور که به لحاظ نوع گنبد (بیضی شکل نوک تیز) ، همچنین قرارگیری در یک قبرستان قدیمی شباهت به آرامگاه استر و مردخای همدان و آرامگاه قیدار نبی(ع) شهرستان خدابنده واقع در استان زنجان دارد، لذا در ذیل به مقایسه این بناها می پردازیم.

۱- پیشینه تاریخی و معماری بنای آرامگاهی استر و مردخای همدان

در اطراف بنای مذکور، در زمانی نه چندان دور، قبرستانی وسیع ، مخصوص دفن اموات یهودی وجود داشته است که یهودیان به جهت احترام فراوان به مدفونین در مزار و تقرب مذهبی ، درگذشتگان خود را در این قبرستان به خاک می سپرده اند. نام های بسیاری از افراد مشهور مدفون در قبرستان مزبور از جمله پزشکان سرشناس و خاخام های ربانی همدان ، هم اینک به صورت کتیبه هایی بر روی لوح هایی در دیوارهای داخلی بقعه موجود و پا برجاست. امروزه به دلیل گسترش محدوده ی شهر و انجام ساخت و سازهای مختلف در اطراف بنا، از گورستان نامبرده اثری بر جای نمانده است. به احتمال فراوان ، قبرستان یاد شده ، خود نیز در داخل باغی بزرگتر(گویا باغ جهودها) قرار داشته است که باستان شناس فرانسوی (شارل دوکوسه) حدود نود سال پیش ، ضمن کاوش در نقاط مختلف همدان از تاریخ ۶ تا ۲۰ سپتامبر ۱۹۱۳ م. در آن باغ و مجاور با مقبره استر و مردخای ، کاوش هایی بی نتیجه را انجام داده بوده است (Chevalier, 1989, 245-251).

بنای مزبور دارای کتیبه هایی به خط عبری می باشد(تصویر شماره ۱۱) که دو تا از کتیبه ها، اشاراتی به تاریخ ساخت و هم چنین نام بنای دارند و از اهمیت مطالعاتی بسیار فراوانی برخوردار می باشند. یکی از کتیبه های نامبرده ، که بر روی صندوق یا ضریح چوبی مثبت کاری شده بر فراز قبر استر قرار دارد، تاریخ ۳۶۵۱ پس از خلقت آدم می باشد که به گفته ی خادم و متولی پیشین بقعه ، آقای (داود ساسون) ربان روحانی یهودیان همدان ، تاریخ مذکور، تاریخ ساخت بقعه است. با توجه به این تاریخ، قدمت بنای بقعه (تا این تاریخ) ۲۱۱۰ سال و بر طبق محاسبات انجام گرفته، تاریخ ساخت بقعه ۱۰۸۰ ق.م. است.

کتیبه ی دوم، بر روی دیوار ضلع غربی اتاق مقبره به خط عبری قرار دارد که(سرگور اوزلی) افسر انگلیسی از روی آن رونوشت برداشته و آن را ترجمه نموده که به موجب آن ، دو تن یهودی کاشانی در سال ۴۴۷۴ از خلقت آدم، ساختمان بقعه را بر فراز دخمه برپا کرده اند(گابریل، ۱۳۴۸، ۲۲۳)، چنانچه بر اساس این تاریخ نیز محاسبه شود، تاریخ ساختمان بقعه برابر با ۷۱۵/م. ۹۷/ق. می شود که در واقع بازسازی و مرمت بوده است(اذکایی، ۱۳۸۰، ۳۰۰). آنچه پیداست این بنا که، بنا از قدمت و دیرینگی زیادی برخوردار بوده و شاید بتوان احتمال دادچنان چه یهودان همدان خود می پندارند(نخستین بنای این بقعه را کلیمیان به عنوان یادگار و یادبود این دو تن که از هر حیث جزو مشاهیر قوم یهود محسوب می شوند، یازده قرن پیش ساخته باشند و پس از چندی به حکم تغییر و تبدیل روایات، آن بنای یادگاری به نام مدفن و مزار "استر و مردخای" معروف شده باشد(مصطفوی، ۱۳۳۲، ۱۷۶). بنا در ازمنه مختلف و به دلایل گوناگون(طبیعی و انسانی و ...) دچار تخریب شده و سپس مورد بازسازی و مرمت قرار گرفته است. چنانچه بر اساس اسناد و مدارک تاریخی موجود، بنا در عهد ایلخانی و به دستور (سعدالدوله یهودی) وزیر ارغون خان(۶۹۰ه.ق) مورد تعمیر و مرمت واقع شده است(لوی، ۱۳۳۴، ۷-۹۶). در یورش های تیمور گورکانی به همدان بنا به شدت آسیب دیده و سپس در دوره صفوی اقدام به بازسازی آن کرده اند. ولیکن از وضع کنونی بنا چنین بر می آید که ساختمان فعلی مربوط به قرن هفتم هجری بوده و بر روی ابنیه قدیم تری ساخته شده است(مصطفوی، ۱۳۳۲، ۱۶۸).

بنای بقعه تقریباً بر نقشه مربع و در جهت شمالی جنوبی قرار گرفته است. طول و عرض بنا در اضلاع مختلف به جهت برخی پیش آمدگیها یا عقب نشینی سطوح مختلف بنا، با یکدیگر متفاوت می باشد. در ضلع شرقی، جلوخان یا مدخل بنا یا پیش آمدگی تقریبی به طول یک متر از دیوار ضلع شرقی قرار دارد که در ورودی بنا به عرض ۷۰ سانتی متر و ارتفاع تقریبی ۱/۱۰ متر در دیواره انتهایی آن تعبیه شده است(تصویر شماره ۱۲).

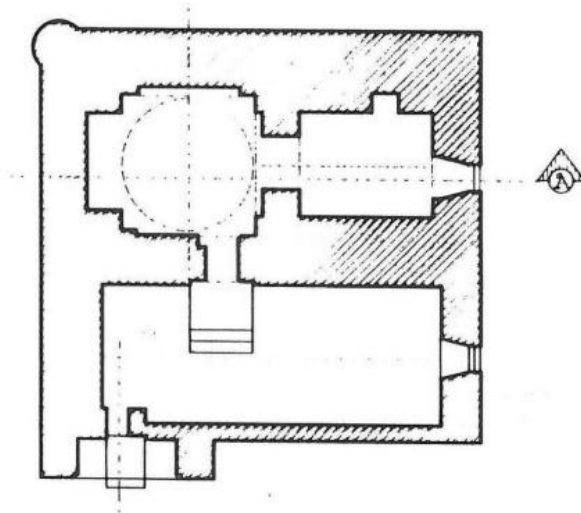
نقشه داخلی بنا از دو اتاق مختلف تشکیل شده است یکی از آنها اتاق ورودی و دیگری اتاق مقبره می باشد. اتاق ورودی بنا به صورت مستطیل شکل بوده و به طول شمالی-جنوبی ۸/۷۵ متر و عرض غربی-شرقی ۳/۷۵ متری می باشد(تصویر شماره ۱۳). در وسط دیوار ضلع شمالی همین اتاق و در ارتفاع تقریبی ۳ متر از سطح داخلی اتاق، دریچه و نورگیری با ابعاد تقریبی ۳۰*۵۰ سانتیمتر واقع شده که بخشی از روشنایی اتاق مذکور را تامین می کند. از طریق مدخل کوچکی که در دیوار ضلع غربی اتاق ورودی تعبیه شده، می توان به اتاق مقبره راه یافت. اتاق مقبره نیز با نقشه ی مربع با ابعاد تقریبی ۳/۷۵*۳/۷۵ متر در قسمت غربی اتاق ورودی قرار گرفته است. در ضلع جنوبی اتاق مقبره، طاقنمایی با عمق ۹۰ سانتیمتر و صفه به طول تقریبی شمالی-جنوبی ۳/۵۰ متر و عرض شرقی-غربی ۳ متر قرار دارد(نظری ارشد، ۱۳۹۱، ۸).



تصویر شماره ۱۲: نمایی از بنا، منبع: نظری ارشد، ۱۳۹۱



تصویر شماره ۱۱: کتیبه بنا، منبع: نظری ارشد، ۱۳۹۱



تصویر شماره ۱۳: پلان آرامگاه استر و مردخای - منبع: نظری ارشد، ۱۳۹۱

۲-۶ تاریخچه و معماری بنای آرامگاه قیدار نبی(ع)

نخستین و قدیمترین سند، متعلق به سال ۷۱۹ هجری قمری است و حکایت از تجدید بنای بقعه بدستور بلغان خاتون زن غازان خان ایلخانی دارد، این امر در کتیبه ای سنگی به خط ثلث جلی و با سبک حکاکای ذکر شده که در ضلع جنوبی شبستان در دیوار نسب شده است (تصویر شماره ۱۴). دومین کتیبه مورخ به سال ۷۵۱ هجری قمری است و کیفیت احداث گنبد را بازگو می کند که در فضای اول در دیوار ضلع جنوبی قرار گرفته و با خط نستعلیق حک شده است (تصویر شماره ۱۵). این بقعه از لحاظ قدمت دارای اهمیت زیادی بوده و در دوره های تاریخی متعدد از جمله ایلخانی، صفوی و دوران معاصر، بنا بر آثار و شواهد، ساختمان آن مورد بازسازی و مرمت قرار گرفته است (تصویر شماره ۱۶) (ثبوتی، ۱۳۶۵، ۲۰۸).

بنای آرامگاه قیدار نبی(ع) در وضعیت کلی دارای پلان مربع مستطیل بوده که طول آن ۱۴/۵ متر و عرض آن ۸/۳۰ متر است. بنای مرکزی از سه بخش تشکیل شده که شامل فضای مقدماتی یا ورودی بنا و دو فضای پشت سر هم که در فضای انتهایی دارای گنبد می باشد (تصویر شماره ۱۷، ۱۸ و ۱۹). هسته اصلی بنا آجرهای ختایی بر روی سه ردیف سنگ سبز تراشیده است. فضای سوم به عنوان آرامگاه بوده که قبر در آن قرار داشته و بر فراز فضای آن گنبد زیبایی به روش دوپوش استوار گشته است. گنبد این بنا در این منطقه در نوع خود بی نظیر و منحصر بفرد است و در ردیف گنبد های رک می توان آن را جای داد. گنبد و بنا از بیرون بدون تزئینات و کاشی کاری است و تزئینات آن در داخل بنا می باشد. بنا تا ارتفاع یک متری دارای کاشی هایی به رنگ فیروزه ای و بنفش است و در سقف شبستان گنبددار با گچبری های زیبایی تزئین گردیده است. گچبری ها از گل و بوته، لچک و ترنج، تصویر خیالی ملانگ، درخت زندگی همراه با پرندگان بسیار زیبا طراحی و اجرا شده است (ثبوتی، ۱۳۷۷، ۱۷۲).



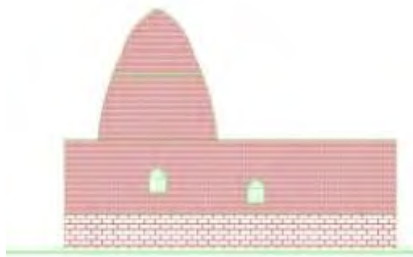
تصویر شماره ۱۵: کتیبه سنگی، منبع: نگارندگان



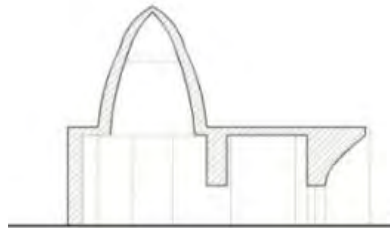
تصویر شماره ۱۴: کتیبه سنگی، منبع: نگارندگان



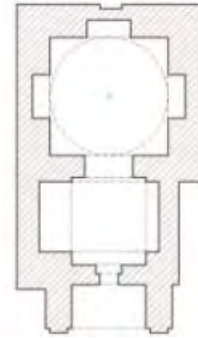
تصویر شماره ۱۶: نمایی از بنا، منبع: نگارندگان



تصویر شماره ۱۹
نمای آرامگاه قیدار نبی(ع)



تصویر شماره ۱۸
برش آرامگاه قیدار نبی(ع)



تصویر شماره ۱۷:
پلان آرامگاه قیدار نبی(ع)

جدول شماره ۲: تاریخچه و وضعیت کنونی بناهای آرامگاهی مورد مطالعه - منبع: (نگارندگان)

ردیف	نام بنا	موقعیت	زمان ساخت	وضعیت کنونی
۱	برج آرامگاهی خوئین	استان زنجان - شهرستان ایجرود	حدود قرن ۵ تا ۸ ه.ق	بدون کاربری
۲	برج آرامگاهی کهریز سیاه منصور	استان زنجان - شهرستان ایجرود	حدود قرن ۵ تا ۸ ه.ق	بدون کاربری
۳	آرامگاه استر و مردخای	استان همدان - شهر همدان	تجدید بنا ۶۹۰ ه.ق	آرامگاه
۴	آرامگاه قیدار نبی(ع)	استان زنجان - شهرستان خدابنده	تجدید بنا ۷۱۹ ه.ق	آرامگاه

نتیجه گیری:

تحولات سیاسی در منطقه ای که امروزه استان زنجان نام گرفته، در طی سده های میانی تا متأخر اسلامی بسیار شدید و پرفراز و نشیب بوده است. این تحولات که شامل درگیریهای اقوام و گروههای سیاسی، مهاجرت اقوام ترک نژاد، هجوم و جنگهای خونین بیگانگان و... است، موجب تاثیر و تاثر بر رفتار و اعتقادات مردم و در نهایت در خلق آثار هنری از جمله آثار معماری شده است. وجود تعدادی از بناهای با نقشه مدور گنبدی در استان معروف به میل یا گنبد که کاربری دقیقی آنها مشخص نیست، می تواند برآیندی از تاثیر تحولات سیاسی در هنر معماری آرامگاهی باشد. تحولاتی که در یک دوره موجب اهمیت به جسد متوفی و ساخت آرامگاه برای وی است و در دوره ای دیگر فراموشی وی و عدم مراقبت و نگهداری از آرامگاه است. در هر حال چنین بناهایی در گوشه و کنار استان زنجان، در مناطق شهری و روستایی و در ابعاد و اندازه های مختلف با عنوان گنبد و میل از سده های گذشته بر جای مانده است. برجهای آرامگاهی خوئین و کهریز سیاه منصور دو نمونه شاخص از برجهای آرامگاهی در حوزه روستایی است که در این نوشتار مورد بررسی قرار گرفتند. مطالعه ساختار معماری بنا و مقایسه اجزای معماری آن به خصوص شکل گنبد با برخی بناهای داخل و بیرون استان نشانگر آن است که هر دو بنا مربوط به سده ی ۵ تا ۸ هجری و با اندکی متاخرتر و نشأت گرفته از معماری آن دوره است. آنچه مشخص است بناهای مذکور در میان مردم محلی روستای خوئین و روستای کهریز سیاه منصور به میل و گنبد معروف هستند و هیچ مدرک مستندی از کاربری بناها موجود نمی باشد. اما با توجه به بررسی ها و مقایسات بعمل آمده از بناهای "آرامگاه استر و مردخای استان همدان"، "آرامگاه قیدار نبی(ع) شهر قیدار - استان زنجان"، و انطباق آنها از نظر معماری (مخصوصا نوع گنبد) و محل قرارگیری که در یک قبرستان قدیمی قرار گرفته اند، به نظر می رسد سال ساخت بناهای فوق الذکر نیز تقریبا همزمان بوده و مربوط به سده های ۵ تا ۸ هجری باشند. با این وجود تاریخگذاری انجام یافته در این مطالعه نسبی است و ارائه تاریخ و عملکردی دقیق و شفاف از بناهای مذکور نیازمند مطالعات میدانی بیشتر از جمله کاوش و گمانه زنی باستان شناختی است.

منابع و ماخذ:

- . پوپ، آ (۱۳۶۶). معماری ایران، جلد اول، ترجمه غلامحسین صدری افشار، انتشارات انزلی.
- . ویلبر، دونالد (۱۳۶۵)، معماری اسلامی ایران در عصر ایلخانان، جلد دوم، ترجمه عبدالله فریار، شرکت انتشارات علمی فرهنگی.
- . هیلن براند، ربرت (۱۳۶۶)، مقابر، جلد اول، ترجمه کرامت الله افسر، جهاد دانشگاهی.
- . کونل، ارنست (۱۳۵۵)، هنر اسلامی، ترجمه هوشنگ طاهری، چاپ دوم.
- . گابریل، آلفونس (۱۳۴۸)، تحقیقات جغرافیایی راجع به ایران، ترجمه فتحعلی خواجه نوری، تصحیح و تکمیل هومان خواجه نوری، ابن سینا.
- . لوی، حبیب (۱۳۳۹-۱۳۳۴)، تاریخ یهود در ایران، ۳ جلد، یهود ابروخیم.
- . اذکایی، پرویز (۱۳۸۰)، همدان نامه (بیست مقاله درباره مادستان)، نشر مادستان.
- . مصطفوی، محمدتقی (۱۳۳۲)، هگمتانه-آثار تاریخی همدان، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- . ثبوتی، هوشنگ (۱۳۷۷)، سرزمین زنگان (بناهای آرامگاهی)، جلد اول، انتشارات زنگان.
- . ثبوتی، هوشنگ (۱۳۶۵)، تاریخ زنگان، اداره کل میراث فرهنگی استان زنگان.
- . شیبانی، زرین تاج (زمستان ۱۳۶۹)، طرح باز پیرایی گنبد امامزاده عبدالله و عبدالله دماوند، ش ۱۸ و ۱۹، مجله اثر.
- . نظری ارشد، رضا (۱۳۹۱)، "نگاهی دیگر به زیارتگاه و مکان گردشگری «استر و مردخای یهودی» در همدان: اوهام تاریخی در برابر واقعیت های باستان شناختی"، اولین همایش ملی گردشگری و طبیعت گردی ایران زمین.
- . عرب، کاظم (۱۳۷۳)، بررسی ویژگیهای مقابر قرن هشتم (ه.ق.) - "دروازه کاشان" قم، کارشناسی ارشد، رشته باستان شناسی "گرایش دوره اسلامی"، دانشگاه تربیت مدرس - دانشگاه علوم انسانی، باستانشناسی، دانشگاه تربیت مدرس - دانشگاه علوم انسانی.
- . اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان زنگان (۱۳۷۹)، پرونده ثبتی میل روستای خوئین.
- . اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان زنگان (۱۳۹۰)، پرونده ثبتی گنبد روستای کهریز سیاه منصور.
- . Chevalier, N, 1989, Hamadan 1913: Mission Oubliee, Iranica Antiqua, xxiv.
- . Pop, Arturupham: A survey of Persian art, vol. III & IV, oxford university, presmeiji - shobe, Tokyo, 1930.

